

Accounting and Financial Crises

حسابداری و بحران مالی



1

فهرست مطالب

- ▶ مقدمه
- ▶ تاریخچه
- ▶ تعاریف
- ▶ بازارهای مالی
- ▶ شکل گیری بحران
- ▶ تاثیر بحران مالی جهانی بر اقتصاد ایران
- ▶ اثرات بحران مالی بر حوزه های مهم اقتصادی
- ▶ انواع بحرانهای مالی
- ▶ عوامل زمینه ساز بحران های مالی



2

- ریسک و بحران مالی
- گام های مربوط به حل بحران مالی
- انتقادات وارده بر حسابداری در ایجاد بحران مالی
- تاثیر محافظه کاری بر بحران مالی
- ضرورت
- محدودیت
- نتیجه گیری
- منابع و ماخذ

3

مقدمه

بحران مالی (Financial Crisis) مجموعه ای از مشکلات اقتصادی است که برای نخستین بار در سال 2008 پدیدار شد و همچنان ادامه دارد. مشخصه اصلی این بحران در کاهش میزان نقدینگی در نظام بانکی و اعتباری است.

این بحران با انفجار حباب (bobble burst) در بازار مسکن آمریکا و بدلیل واگذاری وام های آسان آغاز شد، حباب قیمت مسکن در آمریکا در نهایت منجر به بوجود آمدن افراد بدهکار به نظام بانکی شد، خانه های این افراد که به عنوان ضمانت در نظر گرفته شده بود به نقدینگی تبدیل نمی شد. این بحران در ابتدا در مرکز اعتبار گشایی به علت نقد نشدن وثیقه دریافت کنندگان وام به وجود آمد که به تدریج تبدیل به بحرانی شد که تعداد زیادی از بانکها و موسسات اعتباری را در آستانه ورشکستگی قرار داد. این بحران که به اتحادیه اروپا و آسیا نیز رسید 3/9 تریلیون دلار خسارت به بار آورده است.

4

تاریخچه

- سوابق تاریخی نشان می دهد بسیاری از بحران های مالی ناشی از بحران در شبکه های بانکی بوده که نهایتاً به رکود اقتصادی و بحران بیکاری منجر شده است.
- بحران کبیر سالهای 1929 تا 1933 یک نمونه از بحران مالی در سالهای دورتر است آثار این بحران در امریکا کانادا و اروپا فراگیر بود، تولید در بحران مذکور تقریباً 25 درصد سقوط کرد، نرخ بیکاری به 25 درصد رسید، سطح عمومی قیمت ها نیز 25 درصد کاهش یافت. سقوط بازار سهام و سقوط 33 درصدی حجم پول از زمینه های اولیه بحران بود.
- بحران مالی جهانی در ابتدا از آمریکا و آن هم از بخش مسکن آغاز گردید و به دیگر شرکتها و بانکها و ... سرایت کرد. بحران مالی پدیدار شده در آمریکا با توجه به این پیوند عمیق مالی و اقتصادی، به سرعت تأثیر منفی خود را در بازارهای مالی و اقتصادی سایر کشورها حتی چین و هندوستان گذاشت. بطوریکه رشد اقتصادی چین از 12 درصد به 9 درصد و هند نیز از 8 درصد به 6 درصد رسید.

5

تعاریف

بحران مالی به وضعیتی اطلاق می شود که درصد قابل توجهی از ارزش برخی از دارایی ها به صورت غیرمنتظره از دست برود.

بازار سرمایه بازاری است که ابزارهای مالی بلند مدت با سررسید بیش از یکسال در آن مورد معامله قرار می گیرد .

بازار پول بنا به تعریف، بازار پول بازاری برای دادوستد پول و دیگر داراییهای مالی جانشین نزدیک پول است که سررسید کمتر از یکسال دارند.

رکود در تعریف اقتصادی به دو دوره سه ماهه پیاپی رشد منفی در اقتصاد یک کشور اطلاق می شود. رکود بر این اساس به معنای کاهنده بودن رشد تولید ناخالص داخلی واقعی است.

تورم عموماً به معنی افزایش غیرمتناسب سطح عمومی قیمت در نظر گرفته می شود.

سیاست پولی انبساطی سیاستی که موجب افزایش حجم پول در اقتصاد می شود

6

بحران مالی به وضعیتی اطلاق می شود که درصد قابل توجهی از ارزش برخی از دارایی هابه صورت غیرمنتظره از دست برود.

The term **financial crisis** is applied broadly to a variety of situations in which some financial assets suddenly lose a large part of their nominal value. In the 19th and early 20th centuries, many financial crises were associated with banking panics / fears / alarms, and many recessions coincided with these panics. Other situations that are often called financial crises include stock market crashes and the bursting of other financial bubbles, currency crises, and sovereign / supreme defaults. Financial crises directly result in a loss of paper wealth but do not necessarily result in changes in the real economy.

Many economists have offered theories about how financial crises develop and how they could be prevented. There is no consensus, however, and financial crises continue to occur from time to time.

7

بازار سرمایه بازاری است که ابزارهای مالی بلند مدت با سررسید بیش از یکسال در آن مورد معامله قرار می گیرد .

Capital markets are financial markets for the buying and selling of long-term debt or equity-backed securities. These markets channel the wealth of savers to those who can put it to long-term productive use, such as companies or governments making long-term investments.^[1] Capital markets are defined as markets in which money is provided for periods longer than a year.^[2] Financial regulators, such as the UK's Bank of England (BoE) or the U.S. Securities and Exchange Commission (SEC), oversee the capital markets in their jurisdictions to protect investors against fraud, among other duties.

8

بازار مالی

- ▶ بازار مالی بازاری است که در آن افراد حقیقی و حقوقی می توانند به معامله اوراق ضمانت مالی، کالا و دیگر دارایی های مثلی (عوض دار) با هزینه مبادلاتی پایین، و در قیمت هایی که تابع عرضه و تقاضا هستند، بپردازند. اوراق ضمانت شامل سهام، اوراق قرضه و برخی کالاها (شامل فلزات گرانبها یا محصولات کشاورزی) می شوند.
- ▶ دو نوع بازار عمومی (جایی که انواع زیادی از کالاها در آن معامله می شود) و بازار اختصاصی (جایی که تنها یک نوع کالا معامله می شود) وجود دارند. بازارها خریداران و فروشندگان علاقه مند زیادی شامل خانوارها، شرکت ها و آژانس های دولتی را در یک «مکان» جمع می کند، لذا پیدا کردن همدیگر را برای آنها آسان می سازد. اقتصادی که اصولاً برای اختصاص منابع بر معاملات میان خریداران و فروشندگان وابسته است، به عنوان اقتصاد بازاری شناخته می شود که در مقابل اقتصاد دستوری یا اقتصاد غیر بازاری مثل اقتصاد هدیه محور است.

9

Money market

- ▶ As money became a commodity, the **money market** became a component of the financial markets for assets involved in short-term borrowing, lending, buying and selling with original maturities of one year or less. Trading in money markets is done over the counter and is wholesale.
- ▶ There are several money market instruments, including treasury bills, commercial paper, bankers' acceptances, deposits, certificates of deposit, bills of exchange, repurchase agreements, federal funds, and short-lived mortgage-, and asset-backed securities.^[1] The instruments bear differing maturities, currencies, credit risks, and structure and thus may be used to distribute exposure.^[2]
- ▶ Money markets, which provide liquidity for the global financial system, and capital markets make up the financial market.

بازارهای مالی

بازارهای مالی به دو دسته اصلی تقسیم می شوند:

1. **بازار پولی** که دربرگیرنده بازار بین بانکی است
 2. **بازار سرمایه و سهام** که بازارهای شرکت های مختلف را دربر می گیرند.
- برخی از بازارها هم به هر دو این بازارها ارتباط می یابند.
 - ▶ **دربازار پولی** معمولاً آنچه برای بانک ها و مؤسسه های پولی ایجاد درآمد می کند قرض دادن به دیگران برای کسب سود است.
 - ▶ **دربازار سهام** نیز افزایش قیمت سهام و سفته بازی روی سهام درآمد ایجاد می کند
 - ▶ ازجمله بازارهایی که به هر دو عرصه ارتباط می یابند **بازارهای اعطای وام مسکونی و رهنی** است.
 - ▶ بخش بزرگی ازبازارهای مالی هر کشور یا بازارمالی جهانی را همین بازار قرض و وام تشکیل می دهد.

11

در واقع، مؤسسه های مالی به خریداران مسکن در ازای گروگرفتن خانه هایشان وام می پردازند و از این رهگذر، درآمد و سود ایجاد می کنند.

بازار وام مسکن به ویژه در آمریکا در خلال سال های گذشته به دو بخش تقسیم شده است:

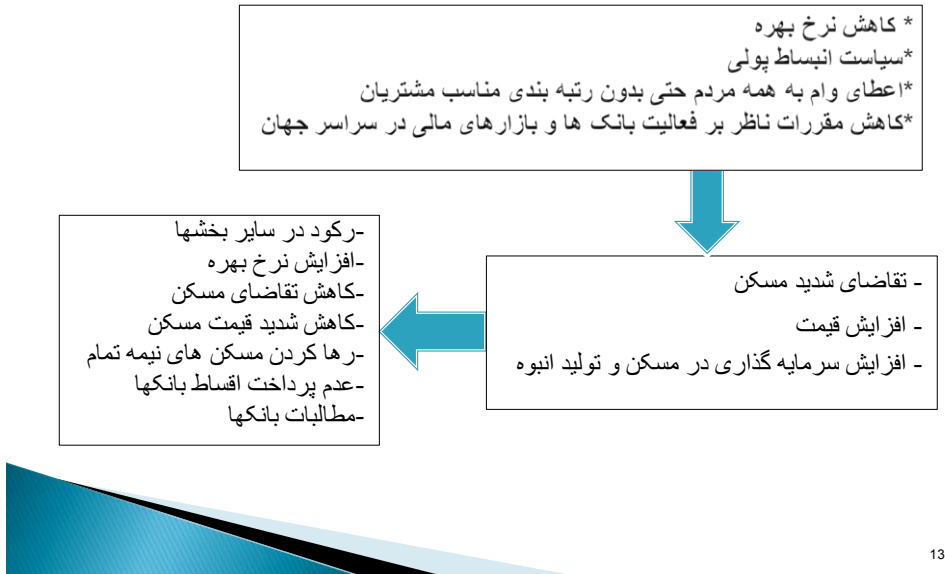
بخش اول، بازار وام مسکن اصلی است. در این بازار وام گیرنده به هنگام خرید خانه، خود بخشی از بهای آن را می پردازد. در عین حال قدرت بازپرداخت وام را داراست و در این راه با مشکلی مواجه نمی شود.

بخش دوم، بازار مسکن فرعی است. به این بازار که در دهه اخیر رشد قابل ملاحظه ای داشته است، **بازار مسکن غیرواجد صلاحیت** نیز می گویند، زیرا وام گیرندگان معمولاً حتی امکان پرداخت بخشی از بهای خانه را نیز ندارند و بیشتر آنان قادر به بازپرداخت به موقع بدهی خود نیستند.

بانکها برای اینکه بتوانند این افراد را به اخذ وام و خرید خانه ترغیب کنند، تمام قیمت خانه را به صورت وام در اختیار آنان قرار دادند. این بخش از بازار مسکن از جایی شروع شد که دو مؤسسه مالی **فانی می و فردی مک** با کمک دولت ایجاد شدند تا مردم را درصاحب خانه شدن یاری دهند.

12

شکل گیری بحران



□ در اثر ورود نامناسب نقدینگی به بازار مسکن، قیمت ها به شکل سرسام آوری افزایش یافت و این افزایش قیمت ها، شوق مردم و مؤسسه های مالی را در دریافت و پرداخت وام بیشتر می کرد، زیرا در ظاهر همه سود می کردند تا اینکه بخشی از وام گیرندگان نتوانستند از عهده پرداخت اقساط وام خود برآیند و خانه هایشان از سوي این مؤسسه ها در حراج فروخته می شد.

بدین ترتیب، بانک ها 2.2 میلیون مسکن را در ایالات متحده به دلیل ناتوانی مردم در پرداخت به موقع اقساط، به حراج گذاشتند. حراج این تعداد خانه به نوبه خود، بهای مسکن را در آمریکا کاهش داد، مردم که در نتیجه کاهش بهای مسکن، زیان دیده بودند، از پرداخت اقساط وام خود سرباز زدند و در نتیجه بحران، ابعاد تازه ای به خود گرفت.

□ نکته بعد این است که شرکتهای وام دهنده آگاه بودند که وام گیرندگان واجد شرایط نیستند و از همین رو، خود به فروش و کم کردن این وامها مبادرت ورزیدند.

به بیان دیگر، مؤسسه مالی که مقدار قابل ملاحظه ای وام در اختیار افراد غیر واجد صلاحیت قرار داده بود، آنها را به مؤسسات مالی دیگر و به طور عمده مؤسسه های مالی بازنشتگی فروختند، همچنین بانکهایی که مالک تمام یا بخشی از مؤسسه های مالی بازنشتگی بودند یا دیونی با درجه نسبتاً پایین را خریداری کرده بودند برای اینکه خود را در برابر ریسک های احتمالی پوشش دهند، شرکت های تازه تأسیس کردند.

15

وام های مسکن به صورت زنجیره ای به هم متصل بودند، در یک سوی این زنجیره مشتری قرار داشت که قدرت پرداخت نداشت و در سوی دیگر، مؤسسه های وام دهنده قرار داشتند که به بانکهای سرمایه گذاری متصل بودند، بانکها نیز با شرکتهای فرعی خود در ارتباط بودند. در این میان، **ناتوانی مشتریان در بازپرداخت وامها موجب کمبود نقدینگی در بانک ها شد**، حاصل این فرایند، بروز بحران در بانکهای سرمایه گذاری بود. به این ترتیب بحران دامن گیر همه مؤسسه ها شد و کمبود نقدینگی دامن همه را گرفت.

□ این امر سبب بروز بحران شدید کمبود نقدینگی در مؤسسه های مالی شد و آنها را یکی پس از دیگری ورشکست کرد. بر اثر بروز بحران، دولت آمریکا برخی از مؤسسه ها را خرید تا آنها را از مهلکه نجات دهد. برخی از شرکت ها نیز از کمک دولت محروم ماندند. نتیجه، بیکاری گسترده بود.

16

- ▶ به بیان دیگر، ریشه بحران کنونی را باید در شکل گیری حباب مسکن فرعی و ترکیدن آن دانست.
- ▶ این بحران مالی پس از مدتی به یک بحران اقتصادی جهانی تبدیل شد و امواج آن با شدت و ضعف به دیگر نقاط جهان نیز سرایت کرد هر چند میزان تاثیر پذیری کشورها به نسبت بازیگری آنها در اقتصاد جهانی متفاوت بود اما به دلیل مقتضیات نظام بین المللی کنونی پیامدهای این بحران در بسیاری از حوزه ها متفاوت بود، از اواسط سال 2008 میلادی به این سو تقریباً همه کشورهای در حال توسعه کاهش نگرانی رشد اقتصادی را تجربه کردند، بسیاری از این کشورها نیز رفته رفته دچار رکود اقتصادی شدند.
- ▶ بسته به عواملی چون وضعیت اولیه حسابهای جاری و داراییهای خارجی کشورهای در حال توسعه بحران مالی به طرق مختلف به این کشورها سرایت کرد.

17

تاثیر بحران مالی جهانی بر اقتصاد ایران

- ✓ در خصوص چگونگی تاثیر پذیری ایران از بحران مالی جهانی باید گفت اگرچه اقتصاد ایران با امریکا، بانک ها و موسسات مالی بزرگ جهان ارتباط تنگاتنگ ندارد از این رو به طور مستقیم از این بحران متضرر نشد اما اثرات غیر مستقیم آن بر اقتصاد کشور به ویژه در زمینه کاهش درآمدهای حاصل از صدور نفت خام، کاهش صادرات غیر نفتی به ویژه محصولات پتروشیمی، افزایش کسری بودجه ، کاهش ذخایر ارزی و تضعیف جایگاه بورس در بازار سرمایه قابل چشم پوشی نیست.
- ✓ کاهش قیمت هر بشکه نفت از 147 دلار در ژانویه به کمتر از 40 دلار در پایان سال 2008 نشانگر تاثیر عمیق بحران بر اقتصاد نفتی است.

18

- ▶ وابستگی شدید اقتصاد ایران به درآمدهای نفتی باعث می شود هرگونه تغییر قیمت نفت تاثیر شدیدی بر وضعیت مالی دولت وارد کند.
- ▶ تاثیر قیمت نفت بر شاخصهای اقتصادی کشور نیز تاثیر می گذارد، کاهش قیمت نفت علاوه بر تاثیر منفی بر تولیدات داخلی موجبات کاهش تولید و افزایش سطح عمومی قیمت ها (تورم) را فراهم می کند.
- ▶ با کاهش درآمد دولت تزریق منابع به واحدهای تولیدی کاهش خواهد یافت، این امر با توجه به کاهش درآمد خانوارها و پس انداز از یک سو و بالا بودن نرخ تورم از سوی دیگر باعث کاهش نرخ بازدهی سرمایه گذاری شده و خطر رکود اقتصادی بیشتر می شود.

19

اثرات مستقیم بحران مالی جهان بر 6 حوزه مهم اقتصاد:



- بررسی های به عمل آمده نشان می دهد، بحرانهای مالی جهانی حداقل بر شش حوزه مهم اقتصادی شامل:
- 1- موسسات مالی
 - 2- بازارهای سرمایه
 - 3- بخش واقعی اقتصاد
 - 4- قیمت فلزات اساسی
 - 5- قیمت نفت خام
 - 6- کاهش حجم تجارت جهانی
- اثر مستقیم گذاشته است.

20

در يك دسته بندي كلي بحران هاي مالي را مي توان به صورت زير تقسيم بندي كرد:

1- بحران هاي بانكي:

- هرگاه به هر دليلي سپرده گذاران در يك بانك تجاري اعتماد خود را نسبت به آن بانك از دست بدهند و براي خارج كردن سپرده مراجعه كنند، بانك توان پاسخ گويي به مراجعان را ندارد، زيرا درصد عمده اي از اين سپرده ها به اعطاي اعتبارات اختصاص يافته است و لذا موجودي نقدي بانك بسيار كمتر از حجم سپرده ها مي باشد. به چنين وضعيتي اصطلاحاً « **هجوم بانكي** » گويند. كه ممكن است به ورشكستگي بانك ها منجر شود .
- بديهي است اگر سپرده گذاران سپرده هاي خود را بيمه نكرده باشند با خسارات زيادي مواجه مي شوند. هرگاه چنين وضعيتي از يك بانك به بانك هاي ديگر سرايت كند، اصطلاحاً **بحران سيستماتيک** يا « **وحشت بانكي** » ناميده مي شود.

21

۲- بحران هاي ناشي از حباب هاي سفته بازي و بحران هاي ارزي

- بنا به تعريف هرگاه قيمت يك دارايي مالي از ارزش درآمدهاي آتي در خلال عمر آن دارايي تجاوز كند، اين دارايي **حبابي** را تشكيل داده است . اگر انگيزه اكثر معامله گران در بازار از خريد دارايي معيني اين باشد كه بعداً آن را به قيمت بالاتري بفروشند و مطلقاً به درآمدي كه اين دارايي در طول زمان ايجاد مي كند، توجهي نداشته باشند ، اصطلاحاً مي گويند **حبابي در حال شكل گيري** است . در صورتي كه حبابي شكل گرفته باشد، همواره ريسك سقوط قيمت ها وجود دارد .
- در چنين وضعيتي معمولاً خريد را تا آنجا ادامه مي دهند كه انتظار دارند ديگران نيز بخرند و لذا زماني كه تعداد زيادي از معامله گران با توجه اوضاع و احوال بازار و انتظاراتشان از آينده تصميم بگيرند، دارايي مورد نظر را بفروشند، قيمت به سرعت كاهش مي يابد.

22

- ▶ **سفته‌بازی، (به انگلیسی: Speculation)** انجام معاملات اقتصادی **ریسک‌دار**، به منظور حصول **سود** از نوسانات کوتاه یا میان مدت، در ارزش بازاری **کالای تجاری** چون روشی اقتصادی، بجای سعی برای حصول سود از روش‌های اقتصادی اصولی (روش‌هایی چون سود سرمایه، بهره، یا سود سهام) می‌باشد. خیلی از سفته‌بازها توجه کمتری به ارزش اصلی **سهام** دارند و به جای آن صرفاً بر تغییرات قیمت یا **تحلیل تکنیکی**، تمرکز می‌کنند. سفته‌بازی در اصل می‌تواند هر کالای قابل معامله یا روش اقتصادی را در بر بگیرد.
- ▶ سفته‌بازها در بازارها خصوصاً در **سهام**، **اوراق قرضه**، **قرارداد آتی**، **ارزها**، **هنرهای زیبا**، کلکسیون‌ها، **املاک و مستغلات** و **مشتقات**، وارد می‌شوند. سفته‌بازها به‌مراه تاجران (که معاملاتی را انجام می‌دهند، تا برخی ریسک‌های قبلی را جبران نمایند)، **سهام‌بازها** (که از موقعیت‌هایی در پی سود هستند، که در آنها ابزار قابل تعویض با قیمت‌هایی متفاوت در قسمت‌های مختلف بازار معامله می‌شوند) و **سرمایه‌گذارها** (که از مالکیت بلند مدت ویژگی‌های اساسی یک وسیله سود حاصل می‌نمایند) یکی از چهار نقش اصلی بازارهای اقتصادی را ایفا می‌کنند.
- ▶ نقش سفته‌بازها، جذب ریسک مازاد (که دیگران نمی‌خواهند) و ایجاد نقدینگی در بازار با خرید یا فروش (در زمانیکه گروه‌های دیگر در دسترس نیستند) می‌باشد. سفته‌بازی موفق مستلزم جمع‌آوری میزان مناسبی از جبران خسارت مالی در عوض ایجاد نقدینگی فوری و بعهده گرفتن ریسک اضافی می‌باشد، به‌طوری‌که در طول زمان، زیان‌های گریز ناپذیر با سودهایی بزرگتر جبران گردد.

23

بحران ارزی یا تراز پرداخت بدهی زمانی است که کشوری از نظام ارزی ثابتی پیروی می‌کند و به دلایلی از جمله نگرانی از معاملات سفته بازی اقدام به کاهش ارزش پول ملی خود می‌کند به این وضعیت **بحران ارزی** گویند.

❖ رکود و بحران اقتصادی

- ✓ چنانچه رشد اقتصادی برای چند دوره کوتاه مدت سیر نزولی داشته باشد، به این وضعیت **کساد اقتصادی** گویند و در صورت استمرار این وضعیت برای دوره‌های طولانی‌تر **رکود اقتصاد** شکل می‌گیرد، و در صورتیکه رشد اقتصادی برای مدتی آهسته اما غیر منفی باشد اصطلاحاً به عنوان **توقف رکودی** از آن یاد می‌شود.
- ✓ اگر چه برخی کساد و رکودی و توقف رکودی را به لحاظ اینکه از مواردی اند که علاوه بر بازارهای مالی سایر بازارها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند جزء بحران‌های مالی به حساب نمی‌آورند ولی برخی از اقتصاد دانان بر این باورند که اینها خود در پی بحرانهای مالی شکل می‌گیرند.

24

عوامل زمینه ساز بحرانهای مالی:



از جمله اصلی ترین عوامل زمینه ساز بحران های مالی می توان به رفتار معامله گران در بازارهای مالی اشاره کرد. به طوریکه معامله گران با توجه به رفتار سایر معامله گران و حدس در مورد رفتار سایر معامله گران عکس العمل نشان داده و یا به نوعی رفتار تقلیدی از خود نشان می دهند .

به لحاظ روان شناختی در بازارهای مالی هرگاه تعداد قابل ملاحظه ای از معامله گران ذهنیت خاصی در مورد موضوعی داشته باشند ، آن موضوع تحقق می یابد.

25

ریسک و بحران مالی

► **ریسک های اهرمی** از دیگر عواملی است که به ایجاد بحران مالی کمک می کند.

► در بازارهای سرمایه گذاری چنانچه سرمایه گذار از محل پس اندازهای خود اقدام به سرمایه گذاری کند ، در این حالت با ایجاد ضرر تنها پس اندازش را از دست می دهد.

► در حالتی دیگر چنانچه فرد ریسک کند و برای سرمایه گذاری دست به استقراض بزند، ریسک کسب سود و زیان وی اهرمی عمل میکند و در صورت سوددهی بیش از حالت قبلی سود کسب می کند و در حالت وقوع ضرر نیز دچار ضرر مضاعف می شود. به طوریکه در این حالت با مشکل باز پرداخت بدهی مواجه شده و این ریسک به موسساتی که وی را تامین مالی کرده اند، منتقل می شود و این روند به کل سیستم مالی سرایت می کند.

26

► برابر نبودن **ریسک دارایی ها و بدهی ها** در گستره بالایی از بنگاهها نیز باعث شکل گیری بحران می شود. عدم برابری ریسک موجودی سپرده ها در بانک ها و اعطای وام های بلند مدت به پشتوانه آنها از مصادیق این نابرابری ریسک دارایی و بدهی است.

► **ناتوانی دولتها** در تنظیم بازارهای مالی به سبب عدم آگاهی و شفاف سازی وضعیت مالی و اتخاذ راه کارهای غلط در مواجهه با برخی مسائل مالی دیگر عواملی است که موجب بروز بحرانهای مالی شده و یا به آنها سرعت می بخشد.

► شاید نتوان **تقلب و فسادهای مالی** را از زمره علل بوجود آمدن بحران های مالی برشمرد، ولی قطعاً از تاثیر آنها در گسترش و توسعه بحران مالی هم نمی توان چشم پوشی کرد؛ بطوری که انتشار اطلاعات غلط و بزرگنمایی سود در سرمایه گذاری ها برای جذب پس انداز افراد و بنگاه ها نمونه ای از فسادهای مالی محسوب می شود که بحران های مالی را در پی خواهد داشت؛ سقوط صندوق سرمایه گذاری MMM روسیه در سال 1994 از این دست موارد است.

27

مدیر کل صندوق بین المللی پول، چهار گام برای حل بحران مالی کنونی پیشنهاد داده است:

1. تضمین اعتبارات بانکی از طرف دولت ها
2. تأمین سرمایه از طرف دولت
3. شناسایی زیانهای مالی
4. همکاری کشورهای مختلف جهان برای حل بحران

28

- ▶ **صندوق بین‌المللی پول** *International Monetary Fund* به اختصار: *IMF* بر اجرای سامانه پولی بین‌المللی نظارت دارد. صندوق بین‌المللی پول، یکی از معتبرترین منابع ارزیابی و پیش‌بینی وضعیت اقتصادی جهان محسوب می‌شود. طرح تأسیس صندوق در کنفرانس برتون وودز در سال ۱۹۴۴ که ساختار اقتصادی جهان بعد از جنگ جهانی دوم شکل گرفت به وجود آمد. صندوق بین‌المللی پول در دی ۱۳۲۴ شروع به کار کرد. هدف از تشکیل صندوق عبارت است از:
 - ▶ گسترش همکاریهای پولی بین‌المللی و تسهیل رشد متوازن تجارت بین‌الملل
 - ▶ ایجاد سامانه باثبات ارزی بین اعضا و پرهیز از رقابت در کاهش نرخ ارزها
 - ▶ تهیه منابع لازم از طریق منابع عمومی صندوق، به منظور کمک به کشورهای عضو دارای کسری تراز پرداختها

29

انتقادات وارده بر حسابداری در ایجاد بحران های مالی

- ▶ در طول بحران مالی اخیر انتقاداتی در مورد حسابداری مبتنی بر نقش حسابداری در بحران مالی مطرح شد به عنوان مثال به نامناسب بودن حسابداری مبتنی بر ارزش های جاری اشاره می شد، مبنای این انتقاد آن است که قیمت بازار نادرست است و ارزش واقعی داراییها بیش از قیمت بازار آن است، حسابداری ارزش جاری طی سالهای اخیر افزایش یافته دلیل آن این است که اکثر بانک ها برای افزایش سرمایه گذاری خود در داراییهایی که استفاده از ارزش جاری در مورد آنها مصداق دارد از این رویکرد استفاده می کنند.
- ▶ یکی از حوزه های چالش برانگیز حسابداری که در طول بحران مالی کنونی به وجود آمده است با بخش سنتی ترازنامه بانک ها یعنی تسهیلات اعطایی به شرکت ها ،خریداران مسکن و دارندگان کارتهای اعتباری در ارتباط است.

30

► قواعد ارزش جاری در مورد این دارایی ها مصداق ندارد و حسابداری آنها بر مبنای بهای تمام شده به کسرذخیره زیان های اعتباری است.

► مطابق با استاندارد حسابداری، ذخیره زیان های اعتباری با استفاده از مدل زیان تحقق یافته محاسبه می شود. بر اساس مدل مذکور کاهش ارزش وام را تنها وقتی می توان شناسایی کرد که شواهد عینی در خصوص وقوع آن وجود داشته باشد. برخی مفسرین این روش حسابداری را نامطلوب توصیف کردند زیرا کاری چرخشی است و بنابراین پایداری مالی را خدشه دار می کند.

31

► دو دلیل ناتوانی حسابداری در پیش بینی بحران مالی:

- (1) شکاف موجود میان دنیای تحقیقات حسابداری و حسابداری عملی
- (2) ناتوانی محققان برای درک ارتباط میان حسابداری خرد، نهادهای نظارتی حسابداری، اقتصاد کلان، محیط سیاسی و محل بکار گیری حسابداری اشاره دارد.

► دانش حسابداری تهیه اطلاعات سودمند برای تصمیم گیری را هدف اصلی خود قرار داده در این زمینه توانایی پیش بینی بحران مالی و جلوگیری از وقوع آن از اهمیت اساسی برخوردار است، اطلاعات مالی اگرچه گذشته نگر است اما ادعا می شود برای پیش بینی آینده سودمند است.

32

تأثیر محافظه کاری بر بحران مالی

تحقیقات گذشته نشان می دهد میان محافظه کاری حسابداری و زیان دهی و ورشکستگی شرکت ها رابطه مستقیم و معنی داری وجود دارد.

برخی پژوهشهای حسابداری نشان داده اند که مدیران شرکتها در موقع بحران مالی مایل به انتقال اطلاعات و اخبار خوب به بازار سرمایه هستند تا از کاهش ارزش شرکت جلوگیری کنند

قرارداد شرکت با گروههای مختلف مانند سرمایه گذاران و اعتبار دهندگان بر اساس ارقام حسابداری است و وجود تضاد منافع میان مدیران و آن گروهها باعث می شود تا با انجام رفتارهای جانبدارانه آن ارقام را به نفع خود دستکاری کنند، هرچه شاخص سود آوری شرکت بهبود یابد احتمال زیان دهی و وقوع بحران مالی کاهش می یابد. رابطه میان بحران مالی و اندازه شرکت معکوس است.

33

ضرورت:

➤ بحران مالی زمینه ساز طراحی استاندارد های حسابداری جدید است.
➤ هیئت تدوین استاندارد های حسابداری, مسائل حسابداری که در نتیجه بروز بحران مالی پدید آمده را مورد بازنگری قرار داد، هیئت بین المللی استانداردهای حسابداری با جایگزینی استاندارد 39 IAS به این روند شتاب داد و آن را به سه مرحله تقسیم کرد:

(1) طبقه بندی و اندازه گیری

(2) کاهش ارزش

(3) مصون سازی

34

استاندارد IFRS 9 اکنون شامل دستور العملی در این زمینه هاست:

- شناسایی و عدم شناسایی ابزارهای مالی
- طبقه بندی و اندازه گیری دارایی مالی
- طبق بندی و اندازه گیری بد هیهای مالی

هدف این استاندارد تعیین اصولی برای گزارشگری مالی است که اطلاعات مرتبط و سودمندی برای استفاده کنندگان از صورتهای مالی در مورد ارزیابی مقادیر، زمان بندی و عدم اطمینان جریان های نقدی آتی بنگاه فراهم کند.

35

منابع و ماخذ:

- ❖ مقاله بحران مالی آمریکا و پیامدهای آن (دکتر شهناز مشایخی)
- ❖ مقاله بحران مالی جهانی: راهکارها و سیاست های پیشنهادی (موسی موسوی)
- ❖ سایت رستاک
- ❖ بحران مالی و جنبه های حسابداری آن (مسعود غلام زاده لداری)
- ❖ بحران مالی جهانی: چالشی پیش روی تحقیقات حسابداری (سید جعفر لاریمی، ابراهیم محسنی)
- ❖ بحران مالی و تغییرات استاندارد های حسابداری و ابزارهای مالی (مصطفی امید قائمی)
- ❖ کاهش بهای نفت و تداوم بحران مالی در جهان (ترجمه سهیلا زمانی)
- ❖ بحران مالی جهانی، بازار جهانی نفت و استراتژی اوپک (دکتر علی حسن زاده، مهراں کیانوند)
- ❖ بحران مالی جهانی راهکارها و سیاست های پیشنهادی (تحلیلی از آنکند- ترجمه موسی زنور، حمیده یزدانی)
- ❖ محافظه کاری حسابداری و بحران مالی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران (غلامرضا اسلامی بیدگلی، هاشم نیکو مرام، بهمن بنی مهد، نیلوفر میر سپاسی)
- ❖ اثر بحران مالی 2007-2009 بر همگرایی تجاری کشورهای توسعه یافته (علیرضا شکیبایی، مریم سعید)
- ❖ ارائه مدلی برای تعیین احتمال وجود بحران مالی در شرکت (دکتر مهدی عربصالحی، علیرضا رهروی دستجردی)
- ❖ فرصت ها، تهدیدها و راهبردهای ایران در بحران مالی جهانی (سید مجتبی زرگر، ابراهیم خیر خواهان)

36

Difference Between IAS and IFRS

IAS vs IFRS ▶

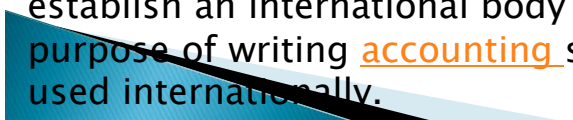
Accounting standards issued by the IASB ▶ (International Accounting Standards Board) are known as International Accounting Standards. Companies that are locally listed, as well as those that are not, are under obligation to use their financial statements in the countries that have accepted those standards.



37

History ▶

Historically, the International Accounting ▶ Standards started in the mid-1960's, more precisely, in 1966, with an initial proposal to enact the ICAEW, AICPA and the CICA for England and Wales, US and Canada respectively. Consequently, the Accounts International Study Group was founded in the following year, 1967, which aggressively championed for change by publishing papers on topics with great significance. As a result of these papers, the way was paved for the standards that were to come, and in 1973, an agreement was reached to establish an international body with the sole purpose of writing accounting standards to be used internationally.



38

In mid 1973, the IASC (International ▶
Accounting Standards Committee) was
established; mandated with releasing new
international standards, which would be rapidly
accepted and implemented worldwide. The
ISAC lasted 27 years until the year 2001, when
it was restructured to become the International
Accounting Standards Board (IASB).



39

A series of accounting standards, known as the ▶
International Accounting Standards, were
released by the IASC between 1973 and 2000,
and were ordered numerically. The series started
with IAS 1, and concluded with the IAS 41, in
December 2000. At the time when the IASB was
established, they agreed to adopt the set of
standards that were issued by the IASC, i.e. the
IAS 1 to 41, but that any standards to be
published after that would follow a series known
as the International Financial Reporting
Standards (IFRS).



40

The Difference ▶

The question of the differences between the IAS and IFRS has arisen on a number of occasions in accounting circles, and in fact, some would question if there is any difference at all. One of the major differences is that the series of standards in the IAS were published by the International Accounting Standards Committee (IASC) between 1973 and 2001, whereas, the standards for the IFRS were published by the International Accounting Standards Board (IASB), starting from 2001. When the IASB was established in 2001, it was agreed to adopt all IAS standards, and name future standards as IFRS. One major implication worth noting, is that any principles within IFRS that may be contradictory, will definitely supersede those of the IAS. Basically, when contradictory standards are issued, older ones are usually disregarded.

41

Summary: ▶

IAS stands for International Accounting Standards, while IFRS refers to International Financial Reporting Standards.

IAS standards were published between 1973 and 2001, while IFRS standards were published from 2001 onwards.

IAS standards were issued by the IASC, while the IFRS are issued by the IASB, which succeeded the IASC.

Principles of the IFRS take precedence if there's contradiction with those of the IAS, and this results in the IAS principles being dropped

42